

جغرافیای زبانی

نویسنده: دوایت بولینگر

Dwight Bolinger

ترجمه: دکتر بهروز غزبدفتری
دانشیار دانشگاه تبریز

پژوهشهای جدی در زمینه لهجه‌های جغرافیایی^۱ در نیمه دوم سده نوزدهم آغاز شد. نخستین بررسی جامع به وسیله ونکر (George Wenker) در آلمان شرقی و مرکزی صورت گرفت و به دنبال آن بررسی محدودتری در دانمارک به عمل آمد تا اینکه بین سالهای ۱۹۰۲ و ۱۹۰۸ ژیلیهرون (Jules Gillieron) نخستین اطلس زبان شناسی فرانسه (Atlas Linguistic de la France) را که در نوع خود نافذترین اثر به شمار می‌رفت، به چاپ رسانید. از آغاز سده بیستم به منظور تهیه اطلسهای مشابه اطلاعات لازم از سراسر دنیا گردآوری شده است. در ایالات متحده آمریکا اطلس زبانی نیوانگلند (Linguistic Atlas of New England) که تحت نظارت کوراث (Hans Kurath) تهیه شده، نمونه فعالیت‌هایی است که در این زمینه به عمل آمده و در سالهای ۱۹۳۹ و ۱۹۴۳ به طبع رسیده است از دیگر اطلسهای منطقه‌ای که قسمت اعظم سرزمین آمریکا را در بر می‌گیرد و بخشی از "اطلس زبانی ایالات متحده آمریکا و کانادا" (Linguistic Atlas of the United States and Canada) به شمار می‌رود، آماده گشته و در حال حاضر فعالیت روی این کار ادامه دارد (اطلس فوق منتشر شده است).

اطلس زبانی، به طوری که از عنوان آن پیداست، مجموعه‌ای از نقشه‌هایی است که انتشار^۲ صور زبانی ویژه‌ای را در نواحی خاص جغرافیایی نشان می‌دهد. آنچه جغرافیادان لهجه شناس^۳ برای

مشخص ساختن ناحیه لهجه^۴ غالباً در نظر می‌گیرد، به طور ساده گرایشی است که در آنجا برای استعمال واژه‌های معینی به چشم می‌خورد. تفاوت‌هایی که در تلفظ یا دستور (نحو)^۵ زبان مشاهده می‌شود، برای تعیین نواحی لهجه‌ها وسیله مطمئنی هستند، اما روش کار با واژه آسانتر است. اطلاعات لازم را می‌توان از طریق پست و به وسیله پرسش‌نامه به دست آورد که در آن سؤال می‌شود آیا مردم آن ناحیه برای مقاصد معینی چه نوع واژه‌هایی را به کار می‌برند، مثلاً برای اطلاق به حصاری که از سنگ در اطراف مزرعه‌ای ساخته می‌شود کدام یک از واژه‌های: 'a stone wall', 'a stone fence', 'a rock wall', 'a rock fence' را به کار می‌برند* و یا مثلاً، برای نامیدن ناودان مخصوص آب‌باران کدام یک از واژه‌های: 'eaves trough', 'water spouting', 'rain spouts', 'gutters' را استعمال می‌کنند.

به منظور رعایت دقت بیشتر، اطلاعات مشروح آوایی^۶ واژه‌ها لازم است و به همین منظور باید مصاحبه‌گران ورزیده‌ای به محل پژوهش گسیل داشت. آنان چه بسا که ساعتها وقت خود را صرف مصاحبه با شخص مطلع^۷ کنند تا معلوم گردد آیا او، مثلاً واژه / sut / soot را هم قافیه با واژه boot/but:t/ یا واژه / put / put ادا می‌کند؟ یا صامت پایانی^۸ th در واژه with نزدیک به تلفظ th در واژه bath / ba:θ / است* یا واژه / beiγ /

* در زبان فارسی مثلاً "کدام یک از واژه‌های "سنگین" "دیوار سنگی"، "سنگیت"، ... برای این منظور به‌کار می‌رود و یا اینکه کدام یک از واژه‌های "ناودان"، "آبرو"، "ناوسار"، ... برای نامیدن ناودان آب باران مورد استعمال دارد. م.

* در زبان فارسی، مثلاً آیا واژه "پوست" / pu:st / با واژه "دوست" / du:st / هم قافیه است یا با واژه "پست" / / poust / و یا اینکه صامت پایانی d در واژه "امرو" / xmrud / نزدیک به تلفظ d در واژه "رود" / ru:d / است یا واژه "توت" / tu:t / و یا اینکه در تلفظ واژه "در واژه" / dxxrva:zθ / مصوت پایانی / θ / همانند مصوت پایانی / θ / در واژه "تازه" / tazθ / است یا مصوت پایانی / za / در واژه "نازا" / naza / . م.

bathe یا در تلفظ واژه 'tomato' مصوت پایانی مانند مصوت پایانی 'a: / ou /' در واژه 'panda' است یا مصوت پایانی 'groto' ؟

اطلس سوئسی که به زبان آلمانی در سال ۱۹۶۲ به چاپ رسید بر مبنای پرسشنامه‌ای که شامل ۲۶۰۰ سؤال بود، تهیه گردید که برای تکمیل هر پرسشنامه مدت چهار الی هشت روز وقت لازم بود. در این اطلس تمایز آوایی ۱۰ واژه‌ها به طور دقیق منظور شده بود به طوری که مثلا "برای ضبط تلفظ مصوت‌های گسترده جلویی ۱۱، بیست و یک نوع وضعیت گوناگون ارتفاع زبان ثبت شده بود. مواد (زبانی) که برای درج در پرسشنامه انتخاب شده بود تا بدان وسیله اختلافات واژگانی، لفظی و دستوری معلوم گردد، موادی بود که به احتمال قوی ویژگی‌های زبان روزمره را آشکار می‌ساخت مانند اسامی لوازم خانگی، انواع غذاها، اعضای بدن، پدیده‌های جوی، اعداد و مانند اینها.

علاقه جغرافیادان لهجه‌شناس ۱۲ به مواد زبانی مندرج در پرسشنامه صرفا "به این دلیل است که نشان می‌دهد که خطوط مرزی ۱۳ را کجا باید قرار داد و چگونه باید مسیری را که گویشوران ۱۴ از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر کوچ می‌کنند، مشخص ساخت و مواد زبانی به خودی خود بیش از آنچه ذکر شد از نظری اهمیت ندارند مگر آنکه علاقه او به عنوان زبان شناس با علاقه‌ای که یک نفر عالم فرهنگ قومی ۱۵ و جامعه شناس به مواد زبانی دارد درآمیخته باشد. موضوع گسترش موجی و متقاطع لهجه‌ها از مراکز اصلی خود و آمیخته شدن آنها با یکدیگر در کشوری مانند ایالات متحده آمریکا که دارای جمعیتی بسیار سیار است حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

خطوط مرزی را در روی نقشه با تعیین دورترین نقاطی که لهجه معینی بدانجا رسیده است، مشخص می‌کنند. وقتی خطی که اصطلاحا "هم املا ۱۶ (همانند) (در صورت استفاده از کلمات) و هم آوا ۱۷ (در صورت استفاده از اصوات) نامیده می‌شود، این نقاط را به هم وصل می‌کند، معمولا "مشاهده می‌شود که خط مذکور نزدیک خطوط دیگری که نمایانگر صورتهای دیگری هستند، قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، مردمی * که واژه 'snake feeder' را برای اطلاق به 'dragon fly' (سنجاقک) به کار می‌برند، احتمالا "واژه 'greasy' / grisi / 'greazy' / grizi / تلفظ می‌کنند. این قبیل خطوط متقاطع ۱۸ مجموعه‌ای از واژه‌های

همانند (یا هم آوا) را تشکیل داده، مرز لهجه مورد نظر را نشان می‌دهند.

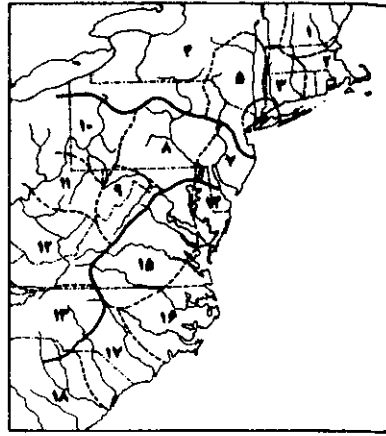
زبان انگلیسی آمریکائی در بخش شرقی آمریکا به سه ناحیه بزرگ لهجه‌ای تقسیم می‌شود. این سه ناحیه نشانگر سکونت نخستین مهاجرینی هستند که از انگلستان مهاجرت نموده و لهجه‌هایشان را با خود به همراه آوردند.

یکی از اصوات لهجه انگلیسی که از انگلستان به آمریکا برده شد، مصوت واژه‌هایی نظیر: 'bath', 'aunt', 'glass', 'laugh', 'half', است. ما به آسانی پی می‌بریم که نوعی از تلفظ این واژه‌ها در مشرق آمریکا مشخصه زبان فرهیخته ۱۹ و نوع دیگر تلفظ آنها به نشانه زبان بسیار فرهیخته ۲۰ در جاهای دیگر است. تلفظ مصوت / a / مطلقا "یکدست ۲۱ نیست (مثلا، در ویرجینیای شرقی مصوت مذکور در واژه‌های 'master' و 'aunt' به گوش می‌خورد، ولی در بسیاری از واژه‌ها این چنین نیست) و این امر نشان دهنده شکافی ۲۲ است که در استانهای شرقی انگلیس پیش از انقلاب آمریکا صورت گرفته بود. صورت / a / به عنوان زبان عامیانه ۲۳ به وسیله مهاجرینی که از استانهای شرقی کشور انگلیس به نیوانگلند (New England) روی می‌آوردند به آمریکا رسید، لیکن همین صورت در لندن نیز ریشه گرفت. و از این رو در مناطقی از آمریکا که با انگلستان دارای روابط نزدیک بودند زبان مد روز ۲۴ به شمار آمد*. در نقشه موقعیت جغرافیائی سه ناحیه شناخته شده شمالی، مرکزی، و جنوبی (و نیز بخشهایی شامل لهجه‌های فرعی) ۲۵ نشان داده شده است.

با روی آوردن جمعیت آمریکا به جانب غرب مرزهای لهجه‌ها را ابهام بیشتری فراگرفت حرکت آرام و نخستین مردم به طرف غرب، این مرزها را تقریبا "به طور یکسان تا رودخانه می‌سی‌سی‌پی (Mississippi) بسط و گسترش داد. هنگامی که مهاجرین در عزیمت خود به جانب غرب رشته کوه‌های راکی (Rocky) را پشت سر گذاشتند، آن سه لهجه اصلی به لهجه‌های فرعی منشعب شدند. زمانی که گویشوران لهجه خاص در ناحیه‌ای سکونت اختیار می‌کردند، پیداست که آن لهجه در آن محل رواج می‌یافت. وقتی خانمهای آموزگار مدارس از آن آربر (Ann Arbor) و میشیگان (Michigan) به ناحیه اطراف هایدن (Hayden) و کلورادو (Colorado) آمده و با مزرعه‌داران آنجا ازدواج

* مردم ساکن ایالات مرکزی (Midland) در آمریکا

* Hans Kurath, "Some Aspects Of Atlantic Seaboard English Considered in their Connections with British English, "in Communications et Rapports du Premier Congres International de Dialectologie Generale (Louvain, Belgium, 1965), pp. 239-40.



ناحیه شمالی

- ۱- شمال شرقی نیوانگلند
- ۲- جنوب شرقی نیوانگلند
- ۳- جنوب غربی نیوانگلند
- ۴- بالای ایالات نیویورک (Upstate New York) و ورمونت غربی.
- ۵- دره هودسن ۶- مرکز شهر نیویورک

ناحیه مرکزی

- ۷- دره دله ور (Delaware Valley)
- ۸- دره ساسکو و هانا (Susquehanna Valley)
- ۹- پوتاماک علیا (Upper Potomac) و دره‌های شانندو

Shenandoah Valleys

- ۱۰- دره اوهایو علیا
- ۱۱- ویرجینیای شمال غربی
- ۱۲- ویرجینیای جنوب غربی
- ۱۳- کارولینای شمال غربی و جنوب غربی

ناحیه جنوبی

- ۱۴- دله مارویا (Delamaria)
- (ساحل شرقی مریلند Maryland) و ویرجینیا، و دله ور جنوبی (S. Delaware)
- ۱۵- ویرجینیای پیدمونت (Virginia Piedmont)
- ۱۶- شمال شرقی کارولینای شمالی (آلبرمارله ساوند Albe (marle Sound) و نیوزولی (Neuse Valley)
- ۱۷- دره‌های کیپ فیر (Cape Fear) و پیدی (peedee)
- ۱۸- کارولینای جنوبی

نمودند، آن ناحیه به صورت یکی از جزایر شمالی درآمد و بعدها که فرزندان آنان بزرگ شدند و از میان خودشان همساختار

کردند ۲۷، صفات مردم مناطق شمالی و مرکزی درهم آمیخته شد^{۲۸} آمیزش لهجه‌ها ۲۹ تنها به غرب آمریکا محدود نمی‌شود، بلکه به موازات گسترش رشته‌های ارتباط که هر روز بر دامنه آن افزوده می‌شود، مرزهای نخستین لهجه‌ها هم درهم نوردیده می‌شود. برای مثال، در ایلی‌نویز شمالی که به دو ناحیه لهجه شمالی و مرکزی تقسیم شده، مرزهای لهجه‌ها دوباره نامشخص می‌شود. فهرست زیرین که از لحاظ نمونه واژگان مورد استعمال جالب است شامل واژه‌هایی است که عموماً "در ناحیه مرکزی تدریجاً" فراموش می‌شوند هرچند که نیمی از آنها ابتدا به همین ناحیه تعلق داشته‌اند.

- ۱- وسیله‌ای برای جلوگیری از عبور نور که روی پنجره نصب می‌شود (میدلند). Window blind
- ۲- انبار هیزم. Woodshed
- ۳- آغل خوک. Pigpen
- ۴- جناغ (مرغ) (میدلند جنوب، جنوبی). Pulley bone
- ۵- نان زود هضم (میدلند جنوب، جنوبی). Light bread
- ۶- توده کوچک علف خشک، بیده (میدلند) Hay doodle
- ۷- پایه، خرک. Trestle
- ۸- صدایی برای فراخواندن خوکها. Poo-wee
- ۹- عشقه سمی. A poison vine
- ۱۰- جاده بتونی. Cement road
- ۱۱- شباهت داشتن (چنانکه در این جمله آمده): To favor (John favors his father)
- ۱۲- کالسکه بچه (میدلند). Baby cab
- ۱۳- شادی پرهیا هو، بزن و بکوب (میدلند). Belling
- ۱۴- با سورتمه و به روی سینه از سرایشی سرخوردن (مرکزی) (میدلند) Belly buster

دو اصطلاح استعاری در توصیف کرانه‌های انتشار^{۳۰} لهجه‌ها به کار برده می‌شوند. یکی از آنها، اصطلاح دو امدادی^{۳۱} است و دیگری اصطلاح دو صحرائی^{۳۲} است. در حالت اول، گویشوری چیزی را از همسایه‌اش که در شرق است فرا می‌گیرد و آن را دو ان دو ان به همسایه‌اش در غرب می‌برد و همواره در میان این دو همسایه می‌ماند. در حالت دوم، گویشوری از سرزمین پدری^{۳۳} خود را رها می‌سازد و در جهات مختلف حرکت می‌کند و در مسیر خود در هر توقف توشه‌ای می‌اندوزد و آنها را در هر جا پخش می‌کند. در حالت دوم، لهجه شناسی بر اثر گستردگی لهجه، کاری پرمخاطره است. در این باب استیونسون (Robert Louis Stevenson) در نشریه "The Amateur Emigrant" می‌نویسد:

از لحظه‌ای که آقای جونز را ملاقات نمودم احساس کردم از او خوشم می‌آید. با توجه به قیافه‌اش فکر کردم که اهل اسکاتلند است

* Roger W. Shuy, "The Northern-Midland Dialect Boundary in Illinois," Publications of the American Dialect Society, No. 38, November, 1962, P. 69.

اما لهجه، او مرا دچار تردید کرد زیرا همان گونه که در بنادرو کشتی‌هایی که در دریای مدیترانه آمدورفت می‌کنند، زبان میانجی^{۳۴} از اختلاط زبانهای زیادی بوجود می‌آید، نوعی ترکیه آزاد^{۳۵} یا عمومی نیز در میان مردم انگلیسی زبان که به سفرهای دریا می‌روند، رایج است. اینان گاهی تلفظ تودماغی^{۳۶} متداول در بندر نیوانگلند را از ناخدای کشتی که به لهجه لندن^{۳۷} حرف می‌زند یاد می‌گیرند، حتی گاهی یک نفر اسکاتلندی صوت / h / را در گفتارش به کار نمی‌برد و زمانی واژه‌هایی را که در گویش ملوان کشتی وجود دارد، فرا می‌گیرد و غالباً نتیجه این می‌شود که هویت لهجه او نامعلوم می‌ماند و انسان مجبور می‌شود که محل تولد او را سؤال کند.*

جغرافیای لهجه‌ها در اروپا

در اروپا جغرافیای لهجه‌ها اغلب از چاشنی تازه‌ای که این دانش در آمریکا از آن برخوردار است، تهی می‌باشد. لهجه‌های اروپایی، به علت وجود جمعیتی با ثبات بیشتر و نیز موانع اساسی زبانی، جغرافیایی و سیاسی بیشتر که حرکت لهجه‌ها را دشوار می‌سازند، به مناطق جغرافیایی خود بسیار وابسته‌اند و اطلاعاتی که در اختیار ما می‌گذارند بیشتر درباره حوادث گذشته است تا زمان حال.

لهجه‌هایی که بیش از همه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند لهجه‌های زبانهای رومیایی هستند^{۳۴} البته زبانهای رومیایی خود لهجه‌های زبان لاتین هستند که در نخستین سالهای مسیحی از آن منشعب شدند. نظر به این که اطلاعات موجود درباره زبان لاتین - که بخشی از آن در پرتو واقعات لهجه‌ها به دست آمده - بیشتر از هر زبان باستانی است، لذا لهجه‌شناسی در مناطقی که زبانهای رومیایی رواج دارند، با زبان‌شناسی تاریخی^{۳۴} پیوندی نزدیکتر از دیگر جاها دارد.

به عنوان نمونه این گونه پیوندها، تعارضی^{۳۵} که بین واژه‌های هم‌آوا^{۳۴} وجود دارد در نظر بگیرید. این موضوع از دیدگاه کسانی که در تهیه اطلس فرانسوی دست‌اندرکار بودند بسیار جالب بود. سؤالی که همیشه در زبان‌شناسی مطرح است این است که چرا واژه‌ها از بین می‌روند. معروفترین مثال در زبان فرانسه واژه‌ای است که برای اطلاق به خروس به کار می‌رود. در جنوب فرانسه انتظار می‌رفت از واژه لاتین 'gallus' به طور طبیعی واژه 'gat' به وجود آید. اما در همان ناحیه می‌بایستی از واژه 'cattus' نیز به حق واژه 'gat' به دست می‌آمد و همین طور هم شد. اگر واژه لاتین 'gallus' در زبان فرانسه حفظ می‌شد، از آن دو معنی "گره" و "خروس" حاصل می‌آمد. و برخلاف واژه انگلیسی 'so' (بنابراین) و 'sow' (بذر کاشتن) یا 'be' (بودن) و 'bee' (زنبور) (که به مقوله‌های مختلف دستوری تعلق دارند) (برسد از لحاظ دستوری اسم بوده در صورت ظاهر شدن در بافت‌های مشابه اکتیاس^{۳۷} در معنا را سبب می‌شدند). همان طور که یکی از دو واژه انگلیسی 'queen' و 'Quean' اجباراً در پوته نسیان ماند، سخن‌گویان فرانسه نیز واژه‌های

موا لفسان " فرهنگ تازه انگلیسی منطقه‌ای آمریکا (Dictionary of American Regional English) در سالهای گذشته مشغول اجرای یکی از بزرگترین پروژه‌های تاریخی در زمینه جمع‌آوری واژگان بودند. این پروژه پنج‌ساله (۱۹۷۰ - ۱۹۶۵) شامل بررسی لهجه‌های ایالات متحده آمریکا از فلوریدا گرفته تا آلاسکا بود تا " قسمت اعظم واژه‌ها، اصطلاحات، انواع تلفظ، املاء، واژگان و معانی که تا به امروز رواج داشته گردآوری کنند ".*

در نتیجه اجرای این پروژه نه تنها به وجود مقدار معتدلی از صورت‌های ثبت نشده^{۳۸} در محلهای گمنام پی می‌بریم، بلکه اصطلاحات بی‌شماری که زمانی در گفتار مردمی متداول بودند و اکنون با از بین رفتن مردم در خطر فراموشی هستند نجات خواهند یافت. تخمیناً حدود پنج میلیون فقره مطلب^{۳۹} به وسیله دستگامهای کامپیوتر تجزیه و تحلیل خواهند شد. (موا لفسان فرهنگ بزرگ آکسفورد سه و نیم میلیون واژه را با دست تهیه و تنظیم کرده‌اند).

اما مسائل جغرافیای (زبانی) بدین جا ختم نمی‌شود. ناپودی تفاوت‌های (زبانی) بر اثر فشارهای اجتماعی^{۴۰} تسریع می‌شود. در هر جا که زبان فرهیخته و بهنجار^{۴۱} با اقبال عامه روبه‌رو می‌شود - و به یاد داشته باشیم که این نوع زبان تا این اواخر تنها حاصل عمده آموزش رسمی به شمار می‌رفت - هر چیزی که طعم و چاشنی بارز محلی یا بومی، روستایی^{۴۲} دارد روبه ناپودی می‌گذارد. بدینسان در ایلی‌نویز شمالی که بیشتر از آن صحبت کردیم صور فرهیخته زبان مانند 'I ran home yesterday'

* South Seas Edition (New York: Charles Scribner's Sons, Inc., 1925), p. 9.

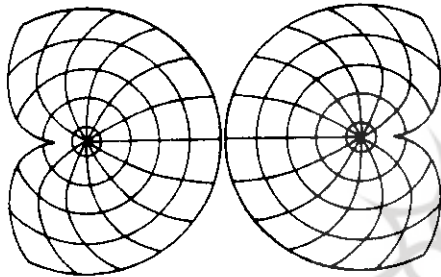
* Frederic G. Gassidy, "American Regionalism and the Harmless Drudge,

"Publications of the Modern Language Association 82:3-14 (1967).

* واژه‌های 'so'، 'sow'، 'bee' و 'be'، دارای تلفظ یکسان بوده و هم‌آوا (Homonym) می‌باشند. م.

معیار ناحیه کناری، که حاکی از نفوذ لهجه مهاجر ۵۸ در خطه لهجه غیر مهاجر ۵۹ بوده و انتشار آن در هر سو بجز کناره‌ها روی می‌دهد، شاهان توجه فراوان می‌باشد. به عنوان مثال وضع کنونی زبانهای رومیایی را در نظر بگیرید که این خود گویای برآیندی است که بر اثر ارتباطی که کم و بیش زبانوران زبان لاتین عامیانه ۶۰ با روم داشتند حاصل آمده است. در جدول بالا تا شهر مداوم این ارتباط را در فرانسه و ایتالیا در مقایسه با تا شهر غیر مداوم و در نتیجه حفظ صورتهای دیرینه‌تر (زبان) را در اسپانیا و رومانی ملاحظه می‌کنیم.

معیار کناری معلوم می‌دارد چرا کشورهای رومانی و اسپانیا که از هم فاصله زیادی دارند در صورتهای و معناهایی اشتراک دارند که در نواحی بین آنها یافت نمی‌شود.



دیگری راه جای 'gallus' به کار بردند: واژه‌ای به معنای "جوجه"، واژه‌ای به معنای "قراول" و واژه "سوم عملاً" به معنای "شخص روحانی" بوده است. در این زمینه آگاهی از حقایق لهجه‌شناسی به تعبیر و تفسیر حقایق تاریخی کمک می‌کند.

عالم لهجه‌شناسی ۴۸ که همواره به علم جغرافیا به منزله کلیدی برای اطلاع از تاریخ لهجه‌ها می‌نگریست، یک نفر ایتالیایی به نام ماتئو بارتولی (Matteo Bartoli) بود. به اعتقاد او، می‌توان میان تکامل لهجه‌ها در گذشته و موقعیتهایی که نسبت به یکدیگر دارند همبستگی ایجاد کرد، و او این موضوع همبستگی ۴۹ (تلازم) را در چهار گروه تحت عنوان "معیارهای ناحیه‌ای" ۵۰ بیان نموده است:

۱- معیار ناحیه دورافتاده ۵۱ - ناحیه‌ای که با دیگر نواحی در ارتباط نبوده و از تا شهر آن مصون مانده باشد، صورتهای دیرینه (زبان) را حفظ می‌کند.

۲- معیار ناحیه کناری ۵۲ - هنگامی که یک ناحیه مرکزی در داخل منطقه‌ای ۵۳ که احتمالاً زمانی متجانس ۵۴ بوده‌اند قرار بگیرد، مناطق کناری به حفظ و نگهداری صورتهای دیرینه‌تر (زبان) گرایش نشان می‌دهند.

۳- معیار ناحیه اصلی ۵۵ - اگر منطقه‌ای به دو بخش ۵۶ تقسیم گردد، معمولاً بخش بزرگتر صورتهای دیرینه‌تر را حفظ می‌کند (بین معیار سه و معیارهای یک و دو اندکی تعارض وجود دارد).

۴- معیار ناحیه مؤخر ۵۷ - ناحیه‌ای که موردتهاجم قرار گرفته فتح می‌شود معمولاً بعداً به حفظ صورتهای دیرینه‌تر متماثل می‌شود.

منبع

Dwight Bolinger. "Linguistic Geography," in Charlton Laird and Robert M. Gorrell (ed.) 'Reading about Language, New York: Harcourt' pp. 290-296' 1971.

یادداشتها

- 1- Geographical dialects. 2- Prevalence. 3- Dialect geographer. 4- Dialect area. 5- Syntax.
- 6- Detailed phonetic information. 7- Informant. 8- Final consonant. 9- Vowel consonant.
- 10- Phonetic discriminations. 11- Front unrounded vowel. 12- Dialect geographer. 13- Boundary lines. 14- Speakers. 15- Folklorist. 16- Isogloss. 17- Isophone. 18- Interlocking lines.
- 19- Cultivated speech. 20- Over-cultivated speech. 21- Uniform. 22- Split. 23- Folk speech.
- 24- Fashionable speech. 25- Subdialectal sections. 26- Speech areas. 27- Intermarried.
- 28- Blended. 29- Dialect blending. 30- Extremes of diffusion. 31- Relay race. 32- Cross-country. 33- Parental neighbourhood. 34- Lingua franca. 35- Free accent. 36- Twang.
- 37- Cockney. 38- Unregistered. 39- Entries. 40- Social pressures. 41- Normalized, cultivated speech. 42- Rustic flavor. 43- Romance languages. 44- Historical linguistics. 45- Conflict. 46- Homonyms. 47- Confusion. 48- Dialectologist. 49- Correlation. 50- 'Areal norm'.
- 51- Norm of isolated area. 52- Norm of the lateral area. 53- Zone. 54- Homogenous. 55- Norm of the principal area. 56- Section. 57- Norm of the later area. 58- Adventurous dialect.
- 59- Sedentary dialect. 60- Vulgar latin.

معنای فارسی رومانی	ایتالیا	فرانسه	اسپانیا
زیبا	bello	beau	hermoso
میز	tavola	table	mesa
جوشیدن	bollire	bouillir	hervir
آنگاه	allora	alors	entonces
روز	giorno	jour	dia
افزون	piu	plus	mas